

بازخوانی مفهوم انسان-حیوان با تأکید بر نظریه ژیل دلوز از منظر پساساختارگرایی (پست‌مدرنیست) با خوانش یازده نمایشنامه

چکیده

درام‌های منتخب با درون‌مایه سوژه‌گریز و شخصیت‌هایی احساس‌گرا، با تأکید بر تجربهٔ بلا فصل و عقل‌گریز، امکان مطالعه فلسفه دلوز را ممکن ساخته است. این تحقیق قصد دارد تا مفهوم انسان به‌عنوان سوژه‌ای فراتر از عقل‌گرایی را از منظر نظریات ژیل دلوز مطرح و با خوانش نمایشنامه‌هایی با محوریت تجربه‌گرایی و فلسفه تجربه‌گرایی خوانشی تحلیل‌پذیر از انسان پست‌مدرن تبیین کند. برای تحقیق درباره این مهم، نمایشنامه‌هایی انتخاب شده که نمونه موافقی از تجربه ارزیابی مفهوم انسان در درام پست‌مدرن است. این آثار جایگاه انسان را از منظر فلسفی ارزیابی نموده و اثبات می‌کند که جایگاه حس و تجربه فراتر از نگاه عقل‌گرایان است. این تفکر می‌تواند به سوژه جرأت‌چیزی فراتر از انسان‌شدن و یا حتی جرأت تبدیل‌شدن به یک موجود تجربه‌گرای صرف را بدهد. در این راستا، ضمن انتخاب درام‌هایی به‌عنوان نمونه‌های موردی، مفهوم انسان را براساس معنای فلسفی زیستن و تجربهٔ فردیت این مفهوم مورد پژوهش قرار داده است. همچنین تلاش خواهد شد تا به شیوه تطبیقی-تحلیلی با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و منابع موجود به این هدف دست یابیم. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که تمامی نمایشنامه‌ها علاوه بر امکان احصاء مؤلفه‌های تاثیر پست‌مدرن امکان بررسی مفهوم انسان-حیوان را از منظر دلوز در فلسفه پاسا ساختارگرایی دارند. عناصر نمایشی باتوجه به آنچه گفته شد علاوه بر دلیل معیاری برای انتخاب آثار بودن همان اجزاء و مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی هستند که امکان پاسا ساختارگرا بودن نمایشنامه‌ها و امکان خوانش مفهوم انسان-حیوان را به دلیل نظریه‌های تجربه‌گرایانه دلوز نه تنها درباره سوژه بلکه درباره ویژگی‌های فلسفه پست‌مدرنیستی را فراهم ساخت.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مفهوم انسان-حیوان در متون نمایشی برگزیده از منظره ژیل دلوز.
۲. بررسی مفهوم انسان-حیوان در عناصر درام همچون تم، موضوع، عنوان، شخصیت و غیره.

سؤالات پژوهش:

۱. مفهوم انسان-حیوان در متون نمایشی برگزیده از منظره ژیل دلوز چگونه است؟
 ۲. مفهوم انسان-حیوان در عناصر درام همچون تم، موضوع، عنوان، شخصیت و ... چگونه است؟
- کلیدواژه‌ها:** ژیل دلوز، پاسا ساختارگرایی، انسان-حیوان، پست‌مدرنیسم.

مقدمه

پست‌مدرنیسم یک حضور سیال است که در قالب خاصی نمی‌گنجد و دارای رویکرد انقلابی است؛ یعنی از پذیرش قواعد حاضر سرباز می‌زند. با ظهور مدرنیته، عقل‌محوری در جهان گسترش یافت و فیلسوفانی چون کانت، دکارت و ... اندیشیدن را نشان هستی و بودن انسان مطرح کردند. پست‌مدرنیسم با نقض این ادعا، تجربه‌گرایی و انسان تجربه‌گرا را مطرح کرد که شیوه‌ای جدید از اندیشیدن را به وجود آورد و فیلسوفی چون دلوز با تأثیرپذیری از آرا نیچه، فلسفه پساساختارگرایی را با هدف پیش‌بردن شناخت از طریق تجربه و خلق سوژه از طریق تجربه را مطرح ساخت. این نظریه منجر به بیان احساس و اهمیت یافتن بدن گردید و سوژه‌ای مطرح شد که توسط بدن شکل می‌گیرد. ژیل دلوز با گرفتن سوژه از انسان به او موقعیتی می‌دهد تا به عنوان حیوان اما نه به معنای مطلق حیوان شدن مطرح شود. درواقع دلوز از حذف سوژه یا بهتر است بگوییم سوژه‌گزینی صحبت می‌کند که به معنای تنزل انسان به رتبه حیوانیت نیست بلکه به این معنا می‌باشد که شناخت برای انسان از دو طریق حاصل می‌شود: تفکر و احساس. وقتی می‌گوییم حذف سوژه یا سوژه‌گزینی به معنای تقویت بعد احساس می‌باشد که این احساس منجر به در معرض نمایش درآمدن بعد انسان-حیوان می‌گردد. بدین معنا که ما سوژه را به عنوان فاعل شناسا برای لحظاتی به غیبت می‌بریم تا شناختی که از بعد احساس بر ما حادث می‌شود را تقویت کنیم. این همان غیبت سوژه یا سوژه‌گزینی از منظر دلوز می‌باشد که در فلسفه پساساختارگرایی دلوز ممکن می‌باشد. گریز از ساختارهای از پیش تعیین شده، انسان عقل‌محور، تجربه‌های بدون سازمان‌مندی، دوری از مرکزیت، پایه‌های فلسفی پساساختارگرایی دلوز می‌باشد که به انسان اجازه می‌دهد تا با تولید احساس که از برخورد امواجی از نیرو با بدن بدون اندام او اتفاق می‌افتد بتواند به تجربه‌هایی ورای تجربه انسان‌گونه دست یابد؛ همان زندگی کولی‌وار که انسان را به تجربه انسان-حیوان می‌رساند.

نمایشنامه‌هایی با ویژگی‌ها و مؤلفه‌های پست‌مدرن به دلیل پساساختارگرایی و فلسفه ژیل دلوز برگزیده این تحقیق به منظور خوانشی پست‌مدرن از مفهوم انسان از منظر انسان-حیوان دلوز می‌باشد. این نمایشنامه‌ها عبارت‌اند از: انسان-حیوان-تقوا، تئاتر بی‌حیوان، داستان خرس‌های پاندا، خوک هندی، اسب سیاه کوچولو، ببر بنگال در باغ وحش بغداد، گوریل پشمالو، ملاقات بانوی سالخورده، ماجرای عجیب سگی در شب، باغ وحش شیشه‌ای و ویتسک. این آثار نمایشی به دلیل امکان احصا مؤلفه‌های پست‌مدرن و پست‌مدرن بودن فلسفه ژیل دلوز به منظور خوانش مفهوم انسان-حیوان از منظر دلوز برگزیده شده‌اند. تمام این نمایشنامه‌ها دارای تمام مؤلفه‌ها یا چندی از مؤلفه‌های تئاتر پست‌مدرن هستند که همین امر امکان مطالعه فلسفه پست‌مدرن دلوز و همچنین خوانش مفهوم انسان-حیوان به مثابه عناصر درام را در بررسی آثار نمایشی از منظر تئاتر پست‌مدرن و فلسفه پست‌مدرن دلوز ممکن می‌سازد.

در این آثار نمایشی می‌توان از جنبه‌های مختلف فلسفه پست‌مدرن به جستجوی نظریه مورد بحث پرداخت زیرا در هر کدام می‌توان غیبت سوژه و کنار رفتن فاعل شناسا و انسان به عنوان بدن و تجربه را کشف کرد. آنچه که در تئاتر مدرن امکان‌پذیر نبود و در پست‌مدرنیسم امکان‌پذیر است. در اثری هویت غیرانسانی مطرح است؛ در دیگری بعد فرانسوی در یکی دیگر، شناخت از پس عقل در موردی بحث بر هویتی فراتر از فاعل است و یا در اثری اصلاً موضوع اندیشیدن برای اثبات انسان بودن مطرح نیست بلکه انسانی در قالب بدن مطرح است که می‌تواند فراتر از مرزهای عقل رفتار کند. این متون به دلیل وجود سرنخ‌هایی از دنیای بیرون از عقل و به علت رموز انسان-حیوان برگزیده شده‌اند؛ درست مثل نقاشی‌های فرانسیس بیکن و تا جستجو آغاز نگردد نمی‌توان آن‌ها را استخراج کرد. مسئله این تحقیق خوانش مفهوم

انسان-حیوان از منظر فلسفه پساساختارگرایی دلوژ در متون نمایشی دارای مولفه‌های پست‌مدرن می‌باشد که به‌مثابه عناصر درام در متون مورد خوانش قرار گرفته و تبیین فلسفه دلوژ در آن‌ها هدف این مطالعه می‌باشد.

در پست‌مدرنیسم علاوه بر ویژگی‌هایی چون عدم وجود قانون حاکم و مسلط به معنای ساختارها و قوانین از پیش تعیین شده، مؤلفه‌های فلسفی بسیاری نیز وجود دارد. باتوجه به هدف مطالعه، بازخوانی مفهوم انسان-حیوان و جایگاه انسان، بدن و اندام از مؤلفه‌های مهم می‌باشد. پست‌مدرنیسم در تئاتر نیز همچون سایر هنرها تأثیر فراوانی داشت و چه در متون و چه در اجرا منجر به سبک جدیدی گشت. انسان در نگاه دلوژ بدنی است که با تعریف آن در سنت و حتی مدرنیته تفاوت دارد. برای بررسی جایگاه انسان در نگاه او ابتدا باید بدن انسان و انواع بدن را در جایگاهی یکسان و متفاوت قرار داد و سپس آن را شناخت و درباره آن حرف زد. بنابراین اهمیت رخداد این امر و بررسی انسان-حیوان از منظر دلوژ و باتوجه به مکتب پسانوگرایی در متون برگزیده برای این مطالعه عرصه‌ای نوین در تحلیل و خوانش مفهوم انسان-حیوان در عرصه تئاتر می‌باشد که تاکنون مسئله انسان که مفهومی مهم و به عنوان ضرورت تئاتر مدرن و پست مدرن می‌باشد از بعد انسان-حیوان مورد کاوش قرار نگرفته است. باتوجه به اینکه ژیل دلوژ به عنوان فیلسوف بیانگر این امر به بهترین شکل است. از این رو ضرورت دارد تا به بررسی نمونه‌های موفق ارتباط ناب با آراء یک فیلسوف و تئاتر بپردازیم، نمونه‌ای حاضر (نمایشنامه‌ای منتخب) از همین موارد خاص هستند که به درستی اندیشه یک فیلسوف و نمایشنامه‌هایی پست‌مدرن از نویسندگان مختلف را در ارتباطی ناب با یکدیگر مرتبط می‌سازد، اما جدای از جدال صرف فلسفی و بدون مصداق در فلسفه هنر می‌خواهیم بدانیم که چگونه اندیشه‌های دلوژ در این متون نمایشی مصداق می‌یابد؟

قالب نمونه‌گیری در این پژوهش معطوف به هدف می‌باشد. در راستای جمع‌آوری اطلاعات به روش مطالعه کتابخانه‌ای و میدانی ابتدا با تکیه بر دیدگاه تحلیلی-توصیفی در سیر تفسیر شاخصه‌های پست‌مدرنیسم و پساساختارگرایی با تعاریف تئاتر دنبال می‌شود. پس در راستای شناخت شاخصه‌های تئاتر پست‌مدرن (پساساختارگرا) در جستجوی مفهوم انسان در فلسفه پساساختارگرا و همچنین تئاتر پست‌مدرن با مفاهیم مشترک میان آن‌ها و توصیف مفهومی انسان-حیوان در اندیشه ژیل دلوژ در فلسفه پساساختارگرایی و تعریف آن در تئاتر پساساختارگرا به تفسیر مفاهیم استخراج شده پرداخته و تطبیق این دو با یکدیگر در متون نمایشی منتخب در پژوهش صورت می‌پذیرد. برای توصیف و تجزیه و تحلیل اطلاعات ابتدا اندیشه دلوژ توصیف و سپس در تئاتر تحلیل گشته و در متن نمایشنامه‌ها تحلیل محتوا می‌شود. بدین ترتیب فرآیند این پژوهش بر سه اصل اساسی استوار است که زیربنا و سیر تکامل آن را تشکیل داده و عبارتند از:

۱- بررسی شیوه‌های ارتباط شاخصه‌های تئاتر پست‌مدرن با نظریه انسان-حیوان دلوژ؛

۲- جستجوی وجوه اشتراک تفکرات فلسفی پساساختارگرایی و رویکرد انسان-حیوان ژیل دلوژ با جایگاه و مفهوم آن در تئاتر؛

۳- تطبیق موردی نسبت نظریه دلوژ و متون نمایشی منتخب با مفهوم فلسفی پساساختارگرایی به منظور ارائه و بیان رویکرد دلوژ در واکاوی نظریه انسان-حیوان در حوزه تئاتر.

نتایج حاصل از بررسی پایگاه‌های علمی داخل کشور (مراکز تحقیق داخلی شامل ایران‌داک، کتابخانه ملی، دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز) براساس تفکیک جستجو با کلمات کلیدی به‌صورت ذیل می‌باشد: نظری (۱۳۹۶) در پژوهش مؤلفه‌های هنر پست‌مدرن، بیان می‌کند که در تاریخ غرب از قرن چهاردهم میلادی به این‌سو هر آنچه که رخ داده، به‌نوعی به مدرنیسم مربوط است. از این رو بحث کردن درباره جهان مدرن و ریشه‌های آن مسئله‌ای دشوار است و دوران جدیدی که پس از این جهان آمده نیز دورانی مبهم‌تر و پیچیده‌تر است. می‌توان گفت پست‌مدرن مربوط به مجموعه‌ای پیچیده از واکنش‌هایی است که در برابر فلسفه مدرن و پیش‌فرض‌های آن قدالم کرده است. پست‌مدرنیست‌ها غالباً مبانی مدرنیست‌ها را به زیر سؤال می‌برند. فلسفه پست‌مدرن شالوده‌گرایی فیلسوفان دوران مدرن و پیش‌فرض‌های فلسفه‌های مدرن را نقد می‌کند. شریعتی (۱۳۹۵) در پژوهش بررسی آثار نمایش تادوش کانتور براساس نظریه پست‌مدرنیسم با تأکید بر نقش بازیگر، عنوان کرده است که تئاتر پست‌مدرن امروزه به‌عنوان شاخه مهمی از هنرهای نمایشی، در مطالعات تئاتر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این گونه نمایشی نسبتاً جدید که عمر آن به نیم قرن نیز نمی‌رسد، به دلیل قاعده‌گریزی، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین گونه‌های نمایشی نوین، مورد توجه محافل آکادمیک می‌باشد. از سویی دیگر، آثار نمایشی تادوش کانتور نیز امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کارگردانان آوانگارد و صاحب‌سبک تئاتر قرن بیستم، در محافل آکادمیک تئاتری مورد مطالعه گرفته است. صادقی اصفهان (۱۳۹۵) در مطالعه بررسی چگونگی بازتولید زمان در اجرای چهار اثر نمایش با تأکید بر نظریات دلوز، به بررسی زمان در چهار نمایشنامه ادیپ شهریار، شاه لیر، فاوست و در انتظار گودو پرداخته و از طریق آن به شناخت رابطه میان این نوع زمان و بازتولید زمان روایت در دوره‌های مذکور دست یافت. با طرح این پرسش که چگونه می‌توان زمان به‌کارگرفته شده در این نمایشنامه‌ها را با وجود تفاوت میان‌شان بر حسب دوره اجتماعی و شرایطی که در آن شکل می‌گیرند، تبیین و تشریح کرد.

شفیعی‌فر (۱۳۹۴) در پژوهش بررسی نمایشنامه‌های لایبرنت و سه‌چرخه اثر فرناندو آرابال براساس نظریه شیرو آنالیز ژیل دلوز، اذعان داد که آثار فرناندو آرابال همانند رویاها و کابوس‌های ما فضایی شخصی را ترسیم می‌کنند. نمایشنامه‌های او از جمله لایبرنت و سه‌چرخه از یک‌سو فضایی تاریک دارند و به مسئله مرگ می‌پردازند و از سوی دیگر فضایی کودکانه و معصومانه را خلق می‌کنند. وی به کمک مفاهیم ماشین‌های میل‌ورز، بدن بدون اندام و نشانه که از واژگان تخصصی دلوز و گتاری هستند به بررسی اجزا نمایشنامه در سطحی پیشافردی پرداخته است. معتمدفر (۱۳۹۱) در پژوهش تحلیل بازنمود نقش انسان-حیوان در هنر ایران باستان، با رویکردی تحلیلی به بررسی ترکیب انسان، حیوان در آثار هنر ایران باستان، می‌پردازد. هدف از پژوهش حاصل آن بوده که نقش موجودات ترکیبی انسان و حیوان در هنر ایران باستان بررسی شود و مؤلفه‌های وجودی آن در مؤلفه‌های نمادین و نشانه‌ای هنر ایران باستان بررسی و مورد تحلیل قرار گیرد؛ مفاهیم نمادین هر یک از این نقوش را که بعضاً در نوعی از نگرش‌های مذهبی و عقیدتی و همچنین شرایط زمانی شکل گرفته است، برای ما روشن گردد. برطبق بررسی‌های رحمانی (۱۳۹۰) در مطالعه تبارشناسی تکنیک‌های پست‌مدرن و تفکر پست‌مدرن از دیدگاه دلوز و دریدا در سه‌گانه بکت، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد ساموئل بکت نشانه‌هایی از تفکر پست‌مدرن و تکنیک‌های پست‌مدرن را در «سه‌گانه» بکت نشان داده است. «سه‌گانه» با شخصیت‌ها، زبان و پی‌رنگی سنت‌شکنانه از مدرنیسم فاصله می‌گیرد. درواقع تبدیل به روایتی بدون پی‌رنگ از تفکرات از هم گسیخته شخصیت قهرمان-راوی می‌شود.

نتیجه‌گیری

باتوجه‌به آنچه بیان شد و نتایج دست آمده، قابلیت احصاء مؤلفه‌های تئاتر پست‌مدرن است که امکان مطالعه آن را در فلسفه پساساختارگرایی میسر می‌سازد. بدون وجود ویژگی‌های تئاتر پست مدرن و بدون داشتن مؤلفه‌های پساساختارگرایی در نمایشنامه‌ها امکان بازخوانی مفهوم انسان-حیوان از منظر دلوز وجود ندارد. امکان بررسی انسان - حیوان در فلسفه دلوز در آثار نمایشی کلاسیک و یا مدرن که جایگاه انسان خداگونه یا بسیار زمینی باشد مقدور نیست زیرا مفهوم انسان-حیوان دلوز در صورت به عقب رفتن سوژه و یا غیبت رفتن آن قابل مطالعه است. در آثار نمایشی غیر پست‌مدرنیستی به دلیل بودن سوژه در محوریت و هسته مرکزی امکان عقب راندن سوژه برای ظهور مفهوم انسان-حیوان وجود ندارد، پس اثبات نمایشنامه‌های منتخب برای تحقیق دلیل آمدن خوانش مفهوم انسان-حیوان از منظر دلوز در فلسفه پساساختارگرایی می‌باشد و این همان نتیجه حاصل از تحقیق و پاسخ به سؤال اول می‌باشد که ابتدا با تبیین مؤلفه‌های تئاتر پساساختارگرا و سپس مفهوم انسان-حیوان چگونگی تبیین آن در عناصر نمایشی که پاسخ به سؤال دوم تحقیق می‌باشد را مشخص می‌سازد.

می‌توان باتوجه‌به جایگاه سوژه در این نمایشنامه مفهوم انسان-حیوان را برای سوژه پساساختارگرایی دلوز مطالعه کرد. باتوجه‌به تعریف انسان-حیوان از منظر دلوز سوژه در آثار نمایشی مورد خوانش قرار گرفت که نتیجه خوانش نشان داد که برای رسیدن به مفهوم انسان-حیوان با بایستی در سایر نظریات دلوز درباره سوژه و مؤلفه‌های مثبت پساساختارگرایی در مورد انسان تأمل کرد. گاهی سوژه دچار افول گشت و گاهی عقب رانده شد اما آنچه که مهم بود این است که در هر صورت سوژه تنها در مقام شخصیت‌های نمایشنامه برای خوانش نبود بلکه در جایگاه عناصر نمایشی نیز این امکان وجود داشت. سوژه با عقب رانده شدن نتایجی پساساختارگراییانه داشت مثل تجربه‌های فراانسانی که خود همین تجربه‌ها و غیبت خرد و عقل خود دلیلی برای به‌وجود آمدن موقعیت‌هایی پساساختارگراییانه می‌شد که بررسی مؤلفه‌های آن برای رسیدن به خوانش دقیق از مفهوم انسان-حیوان لازم می‌گشت. برای بازخوانی مفهوم انسان-حیوان لازم بود تا از دیدگاه فلسفی دلوز درباره تجربه‌گرایی و تقابل آن با عقل‌گرایی استفاده شود تا امکان بررسی سوژه تجربه‌گرا حاصل گردد و سپس مؤلفه‌ها در تمامی اجزا نمایشنامه برای احصاء مفهوم انسان-حیوان بررسی شود. نتیجه این بررسی نگاه تجربه‌گراییانه به اثر و تحلیل جزء به جزء پیکره نمایشنامه می‌باشد.

عناصر نمایشی یا همان عناصر دراماتیک به‌عنوان اجزای بنیادین تشکیل‌دهنده نمایشنامه در این تحقیق اجزائی در جهت رسیدن به مفهوم انسان-حیوان بودند و یا مفهوم انسان-حیوان تشکیل‌دهنده عناصر نمایشی آثار بودند. وقتی سخن از انسان-حیوان در اثری به‌عنوان مفهوم جاری در آن بود عنصر پی‌رنگ بود که درواقع به‌عنوان درون‌مایه و ایده اصلی نمایشنامه طرح کلی داستان اثر را در راستای مفهوم انسان-حیوان شکل می‌داد یا وقتی شخصیت‌ها به‌عنوان سوژه‌هایی عقل‌گرایز و ساختارگرایز مورد بررسی قرار می‌گرفت این مفهوم انسان-حیوان بود که در قالب شخصیت به عنوان عنصر نمایشی و در عنوان سوژه دلوزی خودنمایی می‌کرد و یا حتی زمان و مکان که نتیجه مؤلفه پساساختارگرایی تئاتر پست مدرن تبدیل به دنیا و زمان غیرواقعی پست‌مدرنیستی می‌شد تا مفهوم انسان-حیوان امکان ظهور در قالب سوژه‌ای رانده شده از عقل در طرحی ساختارگرایز بررسی شود. کشمکش، بحران، اوج و تعلیق و دیالوگ دیگر عناصری بودند که مفهوم انسان-حیوان توسط آن‌ها امکان ظهور به‌عنوان مؤلفه‌های تئاتر پساساختارگراییانه را داشت.

مفهوم انسان-حیوان در کشمکش بین عقل و تجربه، ساختارگرایی و پساساختارگرایی و مفاهیم فلسفی پست نیستی ساخته می شد و در تعلیق بین سوژه عقل گرایی و تجربه گرایی دلوز منجر به بحرانی پست مدرنیستی می شد. دیالوگ ها همچون گواهی بر اثبات ادعای مفهوم انسان-حیوان می باشند که در آثار نمایش از آن ها به عنوان حقایقی برای رسیدن به امکان خوانش مفهوم انسان-حیوان استفاده شد. دلیل انتخاب آثار در گام بعدی به دلیل جای گرفتن مفهوم انسان-حیوان در جایگاه عناصر نمایشی بود. در نمایشنامه ای عنوان، در اثری طرح و ایده اصلی، در نمایشنامه ای دیگر وجود دیالوگ هایی انسان-حیوانی و در دیگری شخصیت های سوژه گریز دلوزی و یا کشمکش انسان و حیوان در متن دیگر که منجر به انتخاب این نمایشنامه ها به عنوان آثاری جهت خوانش مفهوم انسان-حیوان از منظر دلوز گشت. نتیجه نشان می دهد که تمامی نمایشنامه ها علاوه بر امکان احصاء مؤلفه های تئاتر پست مدرن امکان بررسی مفهوم انسان-حیوان را از منظر دلوز در فلسفه پساساختارگرایی دارند و عناصر نمایشی با توجه به آنچه گفته شد علاوه بر دلیل معیاری برای انتخاب آثار بودن همان اجزاء و مؤلفه ها و ویژگی هایی هستند که امکان پساساختارگرا بودن نمایشنامه ها و امکان خوانش مفهوم انسان-حیوان را به دلیل نظریه های تجربه گرایانه دلوز نه تنها درباره سوژه بلکه درباره ویژگی های فلسفه پست مدرنیستی را فراهم ساخت.

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۳). حقیقت و زیبایی، تهران: نشر مرکز.
- بودریار، ژان. (۱۳۸۹). جامعه مصرفی: اسطوره ها و ساختارها، پرویز ایزدی، چاپ دوم، تهران: ثالث.
- حنیف، محمد. (۱۳۸۹). قابلیت های نمایشی شاهنامه، چاپ دوم، تهران: سروش.
- رحمانی، راضیه. (۱۳۹۰). تبارشناسی تکنیک های پست مدرن و تفکر پست مدرن از دیدگاه دلوز و دریدا در سه گانه بکت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز.
- شریعتی، فیروزه سادات. (۱۳۹۵). بررسی آثار نمایش تادوش کانتور براساس نظریه پست مدرنیسم با تأکید بر نقش بازیگر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران، تهران.
- صادقی اصفهان، وحید. (۱۳۹۵). بررسی چگونگی باز تولید زمان در اجرای چهار اثر نمایش با تأکید بر نظریات دلوز، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه هنر تهران، تهران.
- گشتاسب، بابک. (۱۳۹۳). بررسی تکنیک ها و مفاهیم هنر بدن در آثار نمایش پست مدرن با تمرکز بر آثار پینا باوث، کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران، تهران.
- گلن، وارد. (۱۳۸۳). پست مدرنیسم، قادر فخر رنجبری و ابوذر کرمی، تهران: نشر ماهی.
- لش، اسکات. (۱۳۸۳). جامعه شناسی پست مدرنیسم، حسن چاوشیان، تهران: نشر مرکز.
- لچت، جان. (۱۳۸۳). پنجاه متفکر بزرگ معاصر، از ساختارگرایی تا پسامدرنیته، محسن حکیمی، تهران: خجسته
- لیوتار، ژان فرانسوا. (۱۳۸۶). وضعیت پست مدرن، حسینعلی نودری، تهران: گامی نو.

قادری، نصرالله. (۱۳۸۸). آناتومی ساختار درام، چاپ سوم، تهران: کتاب نیستان.

معتمدفر، حمیده السادات. (۱۳۹۱). تحلیل بازنمود نقش انسان، حیوان در هنر ایران باستان، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران.

میرصادقی، جمال و میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۷). واژه خاص هنر داستان نویسی، تهران: کتاب مهناز.

ناظرزاده کرمانی، فرهاد. (۱۳۸۳) درآمدی به نمایشنامه شناسی، چاپ اول، تهران: سمت.

نظری، علی اشرف. (۱۳۹۶) سوژه، قدرت و سیاست: از ماکیاولی تا پس از فوکو، تهران: آشیان.

Ansell pearson, k. (۲۰۰۲). Deleuze and philosophy (the difference engineer). London and New York: Routledge.